



|روزنامه جوان |شماره ۵۶۹۶



گام دوم

گام دوم۸۸۴۹۸۴۷۶

بررسی چند و چون فتح قله‌های دانش در گام دوم انقلاب در گفت‌وگو با دکتر حسین مهدیار

باید تکلیف خودمان را با کار کرد دانشگاه مشخص کنیم

دستیابی به قله‌های دانش و رقم زدن یک انقلاب علمی اولین و شاید مهم‌ترین هدفی است که مقام معظم رهبری برای گام دوم انقلاب ترسیم نموده‌اند. آنجا که معظم‌له دانش را آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور دانسته و خطاب به جوانان می‌فرمایند: «ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم... اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام. ولی اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل

گفت‌وگو

محمدصادق عبدالهی



دکتر حسین مهدیار

تأمین مالی کند، دانشگاه که مهارت و دانش کافی برای

حل مسائل را ندارد برای تأمین مالی دانشجوی بولی می‌گیرد و درواقع مدرک‌فروشی می‌کند. از سمنی دولت مختلف از شهرستان‌ها به دانشگاه‌های ملی می‌رفتند تا در کنار یکدیگر درس بخوانند. همین‌جا ایده خوابگاه‌های ملی نیز شکل گرفت و خوابگاه‌های استقرار دانشجویان شهرستانی و با هدف شکل گرفتن گفت‌وگوی اقوام و دوستی‌ها تأسیس شد. پس از این دوران مسئله دانشگاه معطوف به حقیقت مطرح گردید. در این دوران اصرار بر آن بود که دانشگاه در خدمت مسائل دولت و تحت سیطره آن قرار نگیرد، بلکه صرفاً به دنبال حقیقت باشد. مسئله پژوهش در این دوران شکل گرفت، بدین معنا که پژوهش تنها برای پژوهش است و هیچ‌وقت هیچ غایت مشخصی برای آن نداریم. آنها معتقد بودند ما پژوهش می‌کنیم که مسائل را عمیق‌تر بکاویم و این عمق ادامه دارد و هیچ‌جا بسته نمی‌شود. دانشگاه‌های پژوهش‌محور و نشریات علمی و پژوهشی حاصل ایده مطرح در این دوران هستند که به آن ایده همبولتی می‌گویند. به این خاطر که برای نخستین بار همبولت در رساله‌ای کوچک و چند صفحه‌ای این ایده را توضیح داد و پس از آن این ایده کم‌کم گسترش پیدا کرد. الان ما با نسل چهارم دانشگاه مواجه هستیم. در این نسل دانشگاه در خدمت بازار و حل مسائل آن است. اگر دقت کنید قسمت عمده پژوهش‌های دانشگاهی توسط شرکت‌های بزرگ، کارخانه‌ها و کمپانی‌ها سفارش و تأمین مالی می‌شود. لذا در غر ب چهار ایده دانشگاه داریم. اما ما در ایران با کدام بعد دانشگاه و ظهورات آن مواجه بوده‌ایم و چه نسبتی با ابعاد مختلف آن تعریف کرده‌ایم؟ ما کجای ماجرا هستیم؟ دانشگاه ایده و فلسفه‌ای دارد که ابتدا باید شناخته شود و بعداً بر اساس توقعاتی که از دانشگاه داریم و سؤالاتی که در ذهن داریم، نسبت خودمان را با آن ایده و فلسفه‌ روشن کنیم. در حال حاضر وضعیت دره‌می است و دانشگاه همه چی هست، معلوم نیست می‌خواهد الهیاتی باشد، ملی باشد، در خدمت حاکمیت باشد یا می‌خواهد مشکلات صنعت و بازار را حل کند یا می‌خواهد کار پژوهشی کند. این وضعیت بحرانی به این خاطر است که نمی‌دانیم کدام را می‌خواهیم و تکلیف خودمان را با ایده دانشگاه روشن نکرده‌ایم. تعیین تکلیف این موضوع هم یک چیز دستوری نیست بلکه نیازمند بحث و گفت‌وگو است. الان از طرفی وزارت علوم فشار می‌آورد که دانشگاه خودش

خب پس برای چی دانشگاه می‌آید؟ وقتی اغتشاش معنایی باشد وهدف وایده دانشگاه مشخص نباشد همین می‌شود دیگر؛ دانشگاه به عنوان یک پرستیز و منزلت اجتماعی مد می‌شود. برای خیلی‌ها اصلاً رشته تحصیلی مهم نیست فقط مهم این است که مدرکی بگیرند در حالی که اگر در همین چهار سال رفته بود مهارتی را آموخته بود ۱۰ برابر این می‌توانست پول درآورد. پژوهش می‌کنند و پایان‌نامه‌ها با چه موضوعی تعریف می‌شوند؛ فقط کافی است دانشجو با استاد هماهنگ باشد، اصلاً دانشگاه نمی‌رسد این موضوع به چه کار ما و کشور می‌آید؟ این یعنی دانشگاه پژوهش‌محور است و آموزش‌محور هستیم و در طول تحصیل فقط دنبال آن هستیم که یکسری معارف کلی را یک‌طرفه از استاد به دانشجو انتقال دهیم، به گونه‌ای که دانشجو تا پایان مقطع فوق‌لیسانس به صورت جدی با پژوهش مواجه نمی‌شود و فقط کلاس می‌رود. یعنی در یک لحظه هم آموزش هستیم، هم پژوهشی هستیم، هم انتظار در آمد داریم و هم می‌خواهیم مسائل کشور را حل کنیم!

برخی معتقدند ریشه مشکلات دانشگاه در ایران، کالای شدن دانش است. با توجه به توضیچی که درباره آشفته‌گی ایده دانشگاه دارید به نظر تان این کالایی شدن چقدر صحت دارد و چه میزان از مشکلات دانشگاه ریشه در این کالایی شدن دارد؟

این کالایی شدن برای غرب است؛ اگر دانش کالا بود باز تکلیف‌مان مشخص بود. من الان درگیر تصحیح برگه‌های امتحانی دانشجوینم هستم، یک ترم کلاس رفتم، حالا معلوم می‌شود که اصلاً خیلی از دانشجویها بحث را متوجه نشدند و این بدین خاطر است که بعضی‌هایشان علاقه‌ای به درس ندارند. این نشان می‌دهد دانش کالایی نشده است، چون کالایی شدن یعنی فرد علاقه دارد و پول می‌دهد تا کلاس بیاید، مسئله کالایی شدن نیست. کسانی که می‌گویند دانش کالایی شده است، متوجه فرق دارد. اینجا طرف پول می‌دهد کلاس را می‌آید اما اصلاً برایش مهم نیست و اصلاً هدفی ندارد که مهارتی از این کلاس کسب کند.



کسانی که دغدغه گام دوم و دانشگاه ایرانی اسلامی دارند بایستی بیشتر به مسئله دقت کنند. بعضی‌ها الان دارند بحران را باز تولید می‌کنند. آنها تصور می‌کنند تحول علم یعنی اینکه چند کتاب در حوزه معرفت‌شناسی نوشته شود. این نگاه غیر تاریخی، مکانیکی و معرفت‌شناسی زده خودش باز تولید‌کننده وضعیت موجود است

در اقتصاد و هم در نوآوری داشته‌اند. ستاد نانو وقتی می‌خواست تشکیل شود، ایده وزارت علوم این بود که بودجه دولتی را به دانشگاه‌ها بدهد و رشته‌هایی در حوزه نانو تشکیل و پرورش دانشجو آغاز شود و بعد از سرریز دانشجویان و مقالات آنها اقتصاد نانو شکل بگیرد. اما ایده دفتر همکاری‌ها این بود که به جای آنکه پول را به دانشگاه بدهند، فرآیندی چیده شود که مسائل از سوی دولت و بازار در دانشگاه طرح شود، اگر حل‌شد هزینه‌اش پرداخت گردد. بایوتکنولوژی اما با ایده وزارت علوم جلو رفت و یک پژوهشگاه زیست‌فناوری ززند و بودجه دولتی تخصیص دادند و با این ایده پیش رفتند، حالا مقایسه کنید وضعیت ما در نانو و بایوتکنولوژی را! نانو با ایده دانش معطوف به حل مسئله و تولید ثروت جلو رفت. الان بایو کجاست نانو کجاست؟ بودجه بایو خیلی بیشتر از نانو بود ولی خب نتیجه برعکس بود. نانو چون از وزارت علوم جدا شد، ظرفیت‌ها شکوفا و آزاد شد و اتفاقات بزرگی رقم خورد.

خب ما که نمی‌توانیم این را مدل کنیم و بگوییم همه علوم را برای اینکه پیشرفت کنند از دل وزارت در آوریم.

بله نمی‌شود و برای همین باید فکر و نهاد علم را به گونه‌ای اصلاح کرد که غل و زنجیر‌ها را از پای کسانی که می‌خواهند به قله‌های دانش برسد بشود.

به نظر تان در گام دوم انقلاب چه اصلاحاتی باید در ساختار دانشگاه انجام شود از غل و زنجیر‌ها از پای اساتید و دانشجویان باز شود؟

در هر عرصه‌ای گام دوم باید بر پایه انباشتی از تجربیات گام اول برداشته شود، لذا ما اول باید تصویری از دانشگاه در گام اول داشته باشیم و ببینیم در این گام اول دانشگاه چه بود، چه شد و الان چه وضعیتی دارد و سپس وضعیت حال را آسیب‌شناسی کنیم و بر سر این آسیب‌شناسی به تفاهم برسیم و بدین صورت انباشتی از تجربیات را فراهم کنیم. لذا اول باید روائیتی از دانشگاه را شکل داد و سپس به ایده مطلوب دانشگاه برای درآشتن گام دوم انقلاب برسیم و سپس نسبت این ایده را با تاریخ، بوم، سنت‌های فرهنگی –اجتماعی و دین تعریف کنیم. الان این نسبت‌هایی که وجود دارد و دین، سبب شده، عمدتاً تاز جمه‌ای است. مثلاً تصویری که علوم انسانی ما از تاریخ کشور و مردمان دارد، تصویر استعماری و شرق‌شناسانه است. در همین رشته تحصیلی خود من پرفروش‌ترین کتاب‌ها را ببینید، کتاب‌های حسن تراقی، کاتوزیان، آبراهامیان، سریع‌القلم و زیباکلام؛ همه مبتنی بر ایده‌های شرق‌شناسان است و دانشا همان حرف‌های آنها را که ایرانی‌ها خشونت‌طلب، استبدادزده، خشن، تک‌رو، نامشارکتی، ریاکار و دروغ‌گو هستند تکرار می‌کنند. اینها تصویرهایی است که مستشرقین و سفرنامه‌نویس‌های غربی از ما ساختند و هیچ‌کس هم نرفته منابع خودمان را برگردد و تاریخ فرهنگی و اجتماعی را کندوکاو کند، تصویر ما از تاریخ سیاست‌زده است و باید نسبت دانشگاه را با این تاریخ ورساخته مشخص کرد و لازم‌اش این است که به تاریخ فرهنگی و اجتماعی خودمان برگردیم و به‌ویژه تاریخ را جدی بگیریم، متأسفانه این رشته‌های پایه و اساسی را خیلی کم جدی می‌گیریم. دانشگاه علامه طباطبائی، لقب بزرگ‌ترین دانشگاه علوم انسانی خاورمیانه را یک می‌کند، اما جالب است که در این دانشگاه به‌تازگی رشته تاریخ‌امده در حالی که تاریخ تقریباً مادر همه رشته‌های علوم انسانی است و رشته‌هایی مثل جامعه‌شناسی از دل فیه شدن مطالعات تاریخی بیرون آمده‌اند؛ یا مردم‌شناسی یکی از پایه‌های جامعه‌شناسی است؛ یعنی اول مردم‌شناس‌ها باشت شده برو کرات‌ها در گروه‌های علمی قدرت بگیرند. وقتی برو کرات‌ها قدرت گرفتند مسئله‌شان گرفتن پروژه است و یک باند درست می‌کنند و کسی هم اگر بخواد با آنها گفت‌وگو و آنها را نقد کند با سلاح دمو کراسی از دور خارجش می‌کنند، چون تبدیل به اکثریت شده‌اند و در رأی‌گیری مخالفشان را از میدان به در می‌کنند.

با این شرایط چه اتفاقی افتاده است که در رشته‌های نوظهور مثل نانو، هسته‌ای و موشکی پیشرفت چشمگیری داشته‌یم؟ این حوزه‌ها عمدتاً خارج از ساختار دانشگاه بوده است. مثلاً نانو تکنولوژی کاملاً خارج از نهاد دانشگاه بوده و ربطی به دانشگاه نداشته است؛ در نمازعه‌ای که بین نانویی‌ها و وزارت علوم بود نانو از وزارت علوم خارج و زیرمجموعه ریاست جمهوری رفته و این موجب موفقیت و پیشرفت علم نانو شده است. پژوهشکده روبان و موشکی هم همینطور. اینها چون در دانشگاه نبوده و به دست ادم‌های جهادی و دغدغه‌مندی جلو رفته‌اند، توفیق پیدا کرده و رشد بسیار خوبی هم در مقاله، هم

|پنج‌شنبه ۲۰ تیر ۱۳۹۸ | ۸ ذی‌العدده ۱۴۴۰ |

اما در حالت کلی به نظر من اصلی‌ترین دلیل عدم پرداخت به اصلاح دانشگاه این است که سه پارادایم اصلی در کشور یعنی اسلام‌گراها، لیبرال‌ها و چپ‌ها هیچ کدام تصویر صحیحی از دانشگاه نداشتند. اسلام‌گرا‌ها تصویر درستی از علم نداشتند و به همین خاطر نتوانستند ایده اسلامی شدن دانشگاه و علوم را به‌درستی پیگیری کنند. آنها عمدتاً دنبال این بودند که اصلاحات را از بالا انجام دهند و فکر می‌کردند اگر مبانی هستنی‌شناسی و معرفت‌شناسی را بحث کنند علم اسلامی درست می‌شود در حالی که علم در دنیای جدید در پاسخ به مسائل رشد کرده است. چپ‌ها دانشگاه را به مثابه یک سنگر می‌پنداشتند و آن را نه برای گفت‌وگو و پژوهش بلکه سنگری برای مبارزه می‌بینند. راست‌ها هم چون شیفته و مرعوب غرب بودند نتوانستند بین دانشگاه و جامعه، دولت و بازار تعادلی برقرار کنند و آن را نهادمند سازند؛ لذا هر کدام از این پارادایم‌ها به طریقی مانع شدند ایده دانشگاه در ایران به‌درستی بررسی شود. البته در کنار اینها باید عوامل خارجی چون جنگ، تحریم و... را هم لحاظ کرد.

اصلی‌ترین موانعی را که سدر راه اصلاح ساختار دانشگاه و رسیدن به قله‌های دانش هستند، چه می‌دانید؟

موانع که زیاد است اما به‌نظم مهم‌ترین مانع، مانع فرهنگی و فکری است؛ اسناد دانشگاه ما ترجمه‌زده است و فکر می‌کند بـا ترجمه چند کتاب و کنار هم چیدن چند نظریه بدون توجه به تاریخ، دین و فرهنگ بومی، مسئله ما حل می‌شود. مسئله اقتصاد سیاسی هم خیلی مهم است که اگر حل نشود بحران‌ها را افزایش می‌دهد. عدم شفافیت در تخصیص پروژه به اساتید و دانشگاه‌ها نیز باعث به وجود آمدن باندی‌های هیبت علمی شده که کارشان صرفاً پروژه‌بازی است و توان حل مسائل را ندارند و فقط به دنبال پول و پروژه هستند. این‌ا اگر شفاف باشد و بدانیم چه کسی چه پروژه‌ای گرفته و چه کار کرده خیلی تأثیرگذار است. مسائل سیاسی هم که همیشه وجود داشته، بغضاً گروه‌های سیاسی دانشگاه را به چشم یک ابزار و سنگر مبارزه می‌بینند و دنبال تربیت نیرو در دانشگاه هستند در حالی که دانشگاه باید نهادی آزاداندیش باشد که بتواند گفت‌شار تولید کند و گفت‌وگو در آن شکل گیرد.

به نظر تان در گام دوم نیازمند توجه بیشتر به کدام علوم هستیم؟

همه علوم به یک معنا هم‌عرض هستند و شرایط پیچیده جامعه به گونه‌ای است که نیازمند به همه رشته‌ها هستیم، منتها تا حکمت اجتماعی شکل نگیرد، دانشگاه شکل نمی‌گیرد و برای شکل دادن به حکمت اجتماعی باید با واقعیت درگیر شد تا تفکر اجتماعی رشد کند. تفکر اجتماعی در کتاب و اتاق درسته نیست اما ما بخواهیم تا تولید مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی آن را رشد دهیم بلکه در مواجهه با مسائل علمی، لذا به‌نظم مهم‌تر از رشته‌ها توجه به رویکرد است. کسانی که دغدغه گام دوم و دانشگاه ایرانی اسلامی دارند بایستی بیشتر به مسئله دقت کنند. بعضی‌ها الان دارند بحران را باز تولید می‌کنند. آنها تصور می‌کنند تحول علم یعنی اینکه چند کتاب در حوزه معرفت‌شناسی نوشته شود. این نگاه غیر تاریخی، مکانیکی و معرفت‌شناسی‌زده خودش باز تولید‌کننده وضعیت موجود است.

به عنوان سؤال آخر به نظر تان گام اول در گام دوم انقلاب برای اصلاح ساختار دانشگاه چیست و لازم است چه اقدامات عملی با نظری را انجام دهیم؟ به آنچه در بیانیه گام دوم آمده، یعنی انقلاب علمی و کشف قله‌های دانش، دست یابیم؟

همان‌طور که در خلال بحث‌های فوق اشاره کردم، به‌نظم باید درباره ایده دانشگاه بیشتر بحث کنیم که چرا این ساختار آموزشی، چرا این برنامه آموزشی، چرا این نوع از آموزش؟ شما کتاب‌های آموزشی همین رشته جامعه‌شناسی را ببینید. اینها دانشجویی را تربیت می‌کند که هر مسئله‌ای که در برابرش می‌گذاری اول شروع می‌کند نظریه‌ها را ردیف کردن که مارکس چه گفت، دور کیم چه گفت، وبر چه گفت، زمل چه گفت و...؛ اینها پژوهشگرهای بزرگ و قابل احترامی هستند اما اول باید آموزش را مسئله‌مند کنیم تا ذهن دانشجو مسئله‌محور شود. دانشا یکسری معارف و نظریه‌های کلی را در ذهن دانشجو می‌ریزیم بدون اینکه طرف بداند برای چه باید اینها را بخواند. این بحران در پایان‌نامه‌ها هم هست؛ طرف بعد از شش سال درس خواندن هیچ ایده و پرسش‌ی برای پایان‌نامه‌اش ندارد و منتظر می‌ماند تا استاد موضوع را به او بدهد. این بلا را برنامه آموزشی به متشن انجام معنایی دهد، خب این مهارت‌ها را نمی‌بایست به دانشجو یاد بدهیم؟ لذا در گام دوم بایستی بیش از هر چیز درباره ایده دانشگاه فکر و سپس بر اساس آن در ساختار دانشگاه تحول ایجاد کنیم.